

روش‌شناسی تاریخی تنوخی در تألیف کتاب نشوار المَحاضره و اخبار المذاکره

دکتر سید اصغر محمودآبادی*

دکتر اصغر فروغی ابری**

هیثم شیرکش***

چکیده

قاضی ابوعلی المحسن بن علی بن محمد تنوخی (۳۸۴-۳۲۷ ه. ق/ ۹۹۴-۹۳۸ م)، با استفاده از روش «روایت تاریخ به صورت حکایت»، فعالیت‌های اجتماعی مردمان روزگار خود را در چهارچوب شیوه بدیع نگارش خود در کتاب نشوار المَحاضره و اخبار المذاکره یا جامع التواریخ، نقد و تحلیل کرده است. وجود انگیزه‌های خاص شخصی و موضوع شناسانه و نیز گزارش‌های ارزشمند تاریخی کتاب در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، اهمیت ویژه‌ای به شیوه نگارش تنوخی در این کتاب بخشیده است و مخاطب را به خود جذب می‌کند. مهمترین ویژگی روش‌شناسی تاریخی تنوخی، استفاده از روش اسناد اخبار و به‌کارگیری اصطلاحاتی است که نشانگر مشاهده مستقیم و رودرروی حوادث و وقایعی است که به رشته تحریر درآمده است. از طرف دیگر تنوخی تلاش کرده است تا درباره صحت و سقم روایت‌های تاریخی نشوار المَحاضره، تا حد امکان نظری کارشناسی ارائه کند. علاوه بر این، وجود سنت‌های منصب قضاوت در خاندان تنوخی و تماس او با اقشار بالا و پایین و متوسط جامعه، به روش نگارش وی رنگ واقع‌گرایی ویژه‌ای داده است که در سایر تألیفات این مورخ نیز دیده می‌شود. در این مقاله، با روش توصیفی و تحلیلی به تبیین این فرضیه پرداخته خواهد شد که آیا تنوخی از طریق «روایت‌گری تاریخ در قالب حکایت» توانسته است تاریخ اجتماعی - سیاسی دوره خود را به تصویر کشد یا خیر؟

واژه‌های کلیدی

تنوخی، نشوار المَحاضره، روایت تاریخی، منقولات شفاهی

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) a.mahmoudabd@ltr.ui.ac.ir

** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان a.forughi@ltr.ui.ac.ir

*** دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان shirkosh.haitham@yahoo.com

مقدمه

نقد و بررسی روش‌های مورخان مسلمان، برای شناسایی شیوه‌های نگارش تاریخ در اسلام، اهمیت ویژه‌ای دارد. در این باره، وجود شیوه‌های متنوع و گوناگون نگارش تاریخ که انتقال دهنده گزارش‌های متنوع تاریخی است، خود پدیده‌ای قابل تأمل به شمار می‌آید و از طریق آن، می‌توان رویکردهای تاریخ‌نویسان را در نگارش مورد ارزیابی دقیق قرار داد؛ چنان که تنوخی، مورخ معروف، در کتاب نشوار المحاضره و اخبار المذاکره یا جامع التواریخ، شیوه «روایت تاریخ در قالب حکایت» را بر اساس مذاکره شفاهی و مشاهدات عینی و نیز منقولات شفاهی ارائه کرده و از این طریق، تصورات و مقاصد راویان را انتقال داده است. علاوه بر این، وی حوادث تاریخی را در زمان وقوع آنها، در روایت‌ها گنجانده است؛ به گونه‌ای که به صورت شرح حال‌هایی با محور عملکرد شخصیت‌های مندرج در آن در آمده و حادثه تاریخی و شخصیت‌ها، در قالب یک حکایت نمود پیدا کرده است.

نشوار المحاضره، از کتاب‌های ارزشمند ادبی و داستانی و شامل فواید تاریخی و اطلاعات فراوانی از اوضاع اجتماعی قرون اولیه اسلامی، به ویژه قرن‌های سوم و چهارم هجری است. این کتاب و کتاب دیگر تنوخی، «الفرج بعد الشده»، در واقع، نمونه‌ای از سبک ادبیات شه‌ریارانه‌نویسی فرهنگنامه‌ای در حال ظهور و گسترشی بود که پیش از این، در آثار جاحظ و پس از آن، در آثار بدیع‌الزمان همدانی نمود یافت و شاید اگر اسباب و علل خاصی به ادامه و رشد آن شیوه لطمه نمی‌زد، فرهنگ اسلامی، پیش از ادب اروپایی به داستان‌نویسی جدید می‌رسید.

در این مقاله، با استفاده از روش ساده آمار عددی، در قالب جدول و نمودار شرح حال شخصیت‌های ثبت شده در کتاب، رویکردهای تنوخی در نگارش نشوار المحاضره مورد ارزیابی و نقد قرار گرفته است.

شرح حال تنوخی

ابوعلی المحسن بن علی بن محمد در سال ۳۲۷ هـ - ۹۳۸ م در بصره به دنیا آمد و بر اساس نسب قبیله خود، تنوخی لقب یافت (حموی، ۱۹۷۰: ۲۵۱/۶ و تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۹/۵). وی در خاندانی دوستدار دانش، پرورش یافت که در فقه و ادب شهرت داشتند و پدر بزرگ و پدر وی از قضات معروف به شمار می‌آمدند (حموی؛ ۱۹۷۰: ۳۳۲/۵). این پیشینه، در پرورش اندیشه او تأثیر بسزایی داشت به گونه‌ای که از هفت سالگی، به سماع حدیث از بزرگان پرداخت (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۹/۵). از مشایخ حدیث وی شخصیت‌هایی چون ابوالعباس اثرم، ابوبکر صولی و حسین بن محمد بن عثمان بودند (ذهبی، بی‌تا: ۱۶۶/۲) و از این رو، برخی او را در عداد اخباریان آورده‌اند. وی از همان آغاز، به فراگیری کامل علم فقه همت گماشت و در دستگاه احمد بن سیار، قاضی اهواز به کار پرداخت (تنوخی، ۱۹۷۲: ۷۹/۴).

ظاهراً وی در اهواز، در اثر حشر و نشر با ایرانیان با زبان فارسی آشنا شد (حموی، ۱۹۷۰: ۱۱۰/۱۷) و اینکه در جای جای آثار وی، کلمات فارسی به چشم می‌خورد، مؤید این مطلب و نشانگر غلبه روح ایرانی بر فرهنگ و ادب اسلامی در قرن چهارم است. در همین دوره، تنوخی به ابومحمد مَهلبی، وزیر معزالدوله دیلمی و از دوستان پدرش تقرب یافت و در سال ۳۴۹ هـ - ۹۶۰ م با وی به بغداد آمد (حموی، ۱۹۷۰: ۲۵۳/۶).

برگرفته از کتاب نخست وی، نشوار المحاضره است که سال آغاز کتابت آن، ۳۶۰ هـ- ۹۷۰ م می‌باشد (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۷/۱).

رویکرد علمی تنوخی، بر روش‌شناسی تاریخی وی در کتاب نشوار المحاضره تأثیر مستقیم داشت و مناصب قضائی وی در دربار آل بویه، موجب شد میانگین منقولات وی در این کتاب درباره این صنف بسیار زیاد و کتاب او آکنده از اخبار قضات و رفع مظالم باشد. ظاهراً تنوخی بنا به دلایلی مورد خشم و غضب عضدالدوله بویه قرار گرفت و نیز بنا به قولی، به سبب اهانت به امام شافعی و شاگردانش مدتی زندانی شد (شتناوی و دیگران، بی تا: ۵۱۷/۴). تنوخی در سال ۳۸۴ هـ- ۹۹۴ م در بغداد درگذشت (خطیب بغدادی، بی تا: ۱۵۶/۱۳).

نام کتاب

«نشوار» به معنای «ظاهر سخن نیکوست» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۵/۱) و محاضره یعنی مجالست و گفتگو با دیگران. مذاکره نیز به معنای با هم گفتگو کردن است (انیس و دیگران، بی تا: ۱۸۱/۱ و ۳۱۳). ظاهراً تنوخی از آن رو این کتاب را نشوار المحاضره نامید تا با روش نگارش تاریخی آن که بر اساس روایاتی شفاهی در قالب شرح حال‌هایی با مضامین تاریخی است، هماهنگی داشته باشد. انگیزه‌های خاصی در تألیف این کتاب مطرح بوده است که به شرح آنها پرداخته خواهد شد.

انگیزه‌های شخصی

انگیزه‌های شخصی تنوخی در چهارچوب آشنایی وی با شخصیت‌های علمی و ادبی آن روزگار قابل طرح و بررسی است. شخصیت‌هایی که بنا به گفته او «با

تنوخی در بغداد با ابواسحاق صابی مورخ و ابن سکره هاشمی شاعر در ارتباط بود (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۵۶/۳ و ۲۱۲-۲۱۱) و ابوالعلاء معری نیز با وی در زمینه ادبیات و اشعار مکاتبه می‌کرد (ابن خلکان، ۱۹۷۱: ۱۶۲/۴). ظاهراً تنوخی دیوان اشعاری نیز داشته که از بین رفته است (ثعالبی، ۱۹۵۶: ۳۳۶/۲ و ابن‌خلکان، ۱۹۷۱: ۱۶۱/۴).

تنوخی، پس از آن، برای مدتی طولانی بغداد را ترک گفت و در سال ۳۶۰ هـ- ۹۷۰ م مجدداً به آن شهر بازگشت (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۰/۱).

وی مدتی قاضی شهر واسط شد (حموی، ۱۹۷۰: ۲۵۱/۶). در این دوره، او با ابن بقیه، وزیر عزالدوله بختیار اختلاف پیدا کرد و مجبور شد به منطقه «بَطِیْحَه» در جنوب عراق بگریزد (حموی، ۱۹۷۰: ۲۶۴/۴). این وزیر، افرادی را که گمان می‌رفت به جایگاه و منصبی خواهند رسید، به اندک بهانه‌ای به قتل می‌رساند (مسکویه، ۱۹۱۵: ۳۲۱/۲).

پس از مدتی، عضدالدوله دیلمی، تنوخی را فراخواند و منصب قضاوت را در برخی مناطق به وی سپرد و او را از مقربان دربار خود ساخت (تنوخی، ۱۹۷۲: ۸۸/۴ و ۸۲۸۶). به همین سبب، تنوخی به جایگاه مهمی در دستگاه آل بویه دست یافت. خواندن خطبه عقد «الطائع» خلیفه عباسی و دختر عضدالدوله توسط وی را دلیلی بر این امر دانسته‌اند (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۶۲/۴ و مسکویه، ۱۹۱۵: ۴۱۴/۲).

فرصت پیش آمده، تنوخی را بر آن داشت تا به تکمیل تألیفات علمی خود پردازد. وی در سال ۳۸۰ هـ- ۹۹۰ م، تألیف کتاب نشوار المحاضره را به پایان برد (حموی، ۱۹۷۰: ۲۵۱/۶) و تلاش خود را برای به پایان آوردن تألیف کتاب‌های «الفرج بعد الشده» و «المستجد من فَعَلات الأجداد» ادامه داد (تنوخی، ۱۹۷۲: ۳۰/۱ و ۲۶۵/۲). ظاهراً بسیاری از روایات الفرج بعد الشده،

احادیث و روایات ملل و اخبار ملوک و دولت‌ها
آشنایی داشتند (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱/۱).

شخصیت‌های علمی و ادبی مورد نظر تنوخی در این کتاب، ویژگی‌ها و شاخص‌های علمی خاصی دارند. تنوخی منشأ و منبع روایات شفاهی را مشخص می‌کند و بر همین اساس، این روایت‌ها از دیدگاه ارزش تاریخی و پندآموزی مهم هستند؛ به ویژه آنکه به گفته تنوخی، با گذر زمان «اغلب شیوخ و بزرگان صاحب فن، وفات یافته و آنان که مانده‌اند چنانچه بدون ثبت روایات و حکایت‌هایشان از میان روند، با مرگشان تمام آنچه در اندیشه دارند از میان خواهد رفت» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۸/۱).

تنوخی با جمع‌آوری روایات شفاهی شخصیت‌های مورد نظر خود که در فنون روزگار دستی داشتند و مشاهده‌های عینی و مذاکره با شخصیت‌های علمی و ادبی زمانه، روشی را پایه نهاد که قبلاً هیچ کتابی بر اساس آن تألیف نشده بود و کتاب نشوار المحاضره تا آن تاریخ از این نظر، بی‌نظیر بوده است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱/۱).

تنوخی مطالب این کتاب را از افواه شنیده یا به چشم دیده یا در کتاب‌ها خوانده است و برای بهره رساندن به دیگران، آنها را به قلم آورده و به یادگار گذاشته است و البته کسی که چنین تجاربی را پشت سر نهاده است، بدبینی‌هایی نیز دارد (تنوخی، ۱۹۷۲: ۹/۱ و ۸/۳).

انگیزه موضوع شناختی

این انگیزه شامل ابعاد مهم ذیل است:

۱- بُعد سیاسی

راویان حکایت‌های تاریخی نشوار المحاضره، در روایت‌های شفاهی خود، به اخبار ممالک و دولت‌ها و

نیز مناقب و مثالب امت‌ها استناد کرده‌اند و بنابراین، آنچه تنوخی در لابه‌لای کتاب گرد آورده است، در واقع تجاربی است که مدیران و فرماندهان و مسؤولان جامعه و مردم باید از آنها مطلع و به آنها ملزم باشند (تنوخی، ۱۹۷۲: ۸/۱).

این امر، در حقیقت منعکس‌کننده تصورات ذهنی تنوخی درباره اوضاع سیاسی دارالخلافه بغداد در دوره سلطه آل‌بویه بر خلافت عباسی است. روزگاری که تنوخی در آن می‌زیست، اوج تمدن اسلامی شمرده می‌شد.

تنوخی در فرازی از کتاب خود می‌نویسد: «اخلاق ملوک و رؤسای ما از نظر فضل و برتری به پای آنچه در اخبار [جمع‌آوری شده در نشوار] است از دید فضل و شرافت نمی‌رسد» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۸/۱). به همین دلیل، تنوخی در گزینش امرا و مقاماتی که در نشوار از آنان نام برده، دقت فراوانی داشته و در لابه‌لای سطور کتاب، به اهمیت رعایت اصول اخلاق سیاسی توسط امیران و مقامات و لزوم استفاده از تجارب گذشتگان در همین باره، اشاره کرده است.

۲- بعد اجتماعی

تنوخی، چهارچوب بُعد اجتماعی تألیف کتاب نشوار را بر اساس اعتقاد خود به اهمیت حکایت‌های آن تبیین کرده است به ویژه آنکه روایتگران حکایات آن «در حضور ارباب دولت و رؤسای وقت» سخن گفته‌اند (تنوخی، ۱۹۷۲: ۸/۱) که این امر، اشاره‌ای پندآمیز به اهمیت تعامل نهادینه اجتماعی میان حکومت و مردم است.

۳- بعد فرهنگی

تنوخی، دلالت‌های فرهنگی روایات نشوار المحاضره را برای تحقق اهداف سیاسی و اجتماعی به کار می‌گیرد. وی دانش و فرهنگ را از اصول حیاتی پیشرفت دولت‌ها دانسته و بر اهمیت تأثیر فرهنگ تمدن‌ساز

صحه گذاشته است و گلايه می‌کند که چرا «صاحبان فضل، عمر خود را در راه احیای افتخارات بزرگان فرهنگ صرف نمی‌کنند؟» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۱/۱).

تنوخی به شکاف حاصل در تصورات برخی حکمرانان، درباره اهمیت امور فرهنگی آن روزگاران و تاثیر منفی آن بر ارتقای سطح فرهنگی علما و ادیبان اشاره کرده است و غفلت و تقصیر این دو قشر در قبال آنچه رخ داده و نتایج منفی آن را گوشزد کرده است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۱/۱).

در ارزیابی مجموع انگیزه‌های نگارش و تألیف کتاب، هدف اساسی تألیف از نگاه تنوخی، موعظه و عبرت‌پذیری از تاریخ است زیرا حکایات کتاب، به فرد در چهارچوب جامعه گوشزد می‌کند که در راستای «علم به معاش و معاد و آشنایی با عواقب مصالح و مفاسد و نتایج امور و عواقب روزگاران» تلاش کند (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۲/۱).

ناگفته پیداست که این تصورات ذهنی، در چارچوب موازین اخلاقی منصب شغلی تنوخی به عنوان یک قاضی، قابل تفسیر و تأمل است چرا که وی تطبیق احکام شریعت را در همه زمینه‌ها برای دستیابی به جامعه‌ای نمونه، امری ضروری می‌داند و معتقد است «چنانچه در امر قضا خللی وارد شود، احوال حکومت دچار مشکل گردد» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۳۱/۱).

روش ارائه موضوعات در نشوار المحاضره:

تنوخی، ساختار خاصی را برای ارائه حکایات‌های تاریخی نشوار المحاضره، در نظر نداشته است و خود در این باره می‌گوید: «[موضوعات را] در ابواب و انواع مرتب ننگنجانده ام» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۲/۱)؛ وی خود می‌پذیرد که «خواننده و مشاهده کننده حکایات‌ها، اگر آنها را خارج از چارچوب سنن معروف گزارش اخبار ببیند، از ارزش آنها خواهد کاست» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱/۱) چرا که مبنا و اساس آنها غالباً منقولات شفاهی

طبقات مختلف جامعه بوده است.

البته انگیزه شخصی وی در گزینش این روش و نیز در ارائه موضوعات واضح به نظر می‌رسد. ظاهراً وی در نظر داشته است روشی متناسب با حکایات‌های تاریخی نشوار المحاضره در نگارش ایجاد کند و این واقعیت را از ضروریات تألیف کتاب می‌دانسته است، به ویژه آنکه معتقد بوده است که آن «اخبار، گونه‌ای بی‌نظیر بوده و مسبق به سابقه نمی‌باشد» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۲/۱).

می‌توان شباهت موجود در شهرت و جایگاه شخصیت‌های مذکور در هر بخش از حکایات‌های کتاب را به عنوان یک شاخص اساسی در ارائه موضوع مورد نظر تنوخی قابل تأمل دانست؛ وی شخصیت‌های کتاب را بر اساس جایگاه و منزلت مثبت یا منفی اجتماعی آنان طبقه‌بندی کرده و در ابتدای هر بخش از حکایات‌ها، گونه اخبار مورد گزارش در آنها را با ذکر جمله‌هایی مشخص کرده است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۳/۱). از نظر مضمون نیز توصیف شخصیت‌های مطرح شده در نشوار المحاضره، در قالب شرح حال‌هایی است که از دیدگاه اجتماعی به عنوان مصادیقی برای عبرت‌پذیری مطرح شده‌اند. دورنمای هر شخصیت، در چهارچوب شرح حال وی، جایگاه و منزلت اجتماعی او را بر اساس نوع عملکردش در قبال جامعه نشان داده است. شخصیت‌های مثبت و منفی بر پایه نوع نگرش آنها به مقتضیات شریعت اسلامی و سنت‌های اجتماعی، طبقه‌بندی و مورد ارزیابی واقع شده‌اند. بر این اساس، مواردی چون حيله‌گری برخی خلفا در زمینه جمع اموال و گنجینه جواهر (تنوخی، ۱۹۷۰: ۴۰/۲)، رفاه‌زدگی آنان (تنوخی، ۱۹۷۰: ۳۰۱/۱)، ستمگری سرداران (تنوخی، ۱۹۷۰: ۱۰۰/۳) و از همه مهمتر، کم رنگ شدن برخی اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی در میان مردم (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۱/۱)

همه در همین چارچوب مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این میان، قاضیان در صدر جدول آماری شخصیت‌های مورد نظر تنوخی در نشوارالمحاضره قرار دارند چرا که از نظر وی، اینان در جایگاه تشخیص و مشاهده عینی احوال و رفتارهای گوناگون مثبت و منفی اجتماعی در مجالس دادرسی قرار دارند (نک: به جدول و نمودارهای آماری در پایان مقاله).

البته خواننده شرح حال‌های موجود در نشوارالمحاضره، نباید ویژگی‌های خاص شخصیت‌های مورد نظر کتاب را در همه حالت‌ها معیاری مسلم در ارزیابی جایگاه اجتماعی آنان به شمار آورد زیرا تنوخی، گاه گرایش‌های شخصی و مذهبی خود را در گزارش‌های تاریخی دخالت داده است. به عنوان مثال، در نتیجه گرایش به افکار معتزلیان، در همه جا از آنان به نیکی یاد کرده و از شیوخ آنان مانند اسماعیل صفار بصری و ابوهاشم جبائی و دیگران تجلیل فراوان به عمل آورده و حکایاتی از هوش سرشار معتزله- از میان اهل کوچه و بازار- گزارش کرده است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۳۴۲/۲ و ۳۴۰ و ۲۰۹-۲۰۷)؛ حتی این حکایت‌ها گاه خرافی می‌نماید از جمله اینکه تنوخی افتخار می‌کند کودکان معتزله، از جن نمی‌هراسند! (تنوخی، ۱۹۷۲: ۳۴۳/۲) و البته بر این امر، هیچ دلیل محکمه‌پسندی ارائه نکرده است.

در مقابل، از آنجا که دید مثبتی به تصوف و صوفیه روزگار خویش نداشته، جریان تصوف را چیزی جز دغل‌کاری ندانسته است و در نظر مردم، جایگاه خاصی برای این قشر در نظر نگرفته و آنان را فاقد وجهه اجتماعی شمرده است؛ حتی اصطلاحات و تعبیر و شیوخ آنان را به سخره گرفته و به برخی حیل‌های آنان اشاره کرده و عقاید آنان را به چالش کشیده است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱/۱۷۳ و ۱۶۹، ۱۶۵، ۱۶۲-۹۹: ۳۴۶/۲-۳۴۵ و ۲۹۰، ۱۲۹، ۱۲۶).

جالب آنکه اعتقاد شخصی تنوخی به مقوله تنجیم و منجمان، باعث شده است آنان را افرادی بیندار که با استفاده از توانمندی‌های فکری و ذهنی فوق‌العاده خود، می‌توانند در پدیده‌های طبیعی و اجتماعی تأثیرگذار باشند. گزارش‌های تنوخی درباره کمک گرفتن از منجمان برای پیش‌بینی حوادث و مهارت ابومعشر منجم و ابوعلی جبائی و ابوالقاسم زحل در این خصوص و پیشگویی مرگ یا وزارت افراد و نیز اعتقاد خلیفه معتصم به تنجیم، در همین چارچوب می‌گنجد (تنوخی، ۱۹۷۲: ۳۲۹/۲ و ۳۲۴، ۳۲۲، ۳۱۸، ۳۲۰: ۲۱۲/۷ و ۲۰۹، ۲۰۰، ۱۹۹-۱۹۶).

در زمینه مذهبی نیز، تنوخی که در فقه، حنفی و در عقاید، معتزلی است، در برابر حنبلیان موضعگیری مثبتی نداشته و عملکرد آنان را در سطح جامعه منفی تلقی کرده و آنان را مردمانی پنداشته است که برای جان انسان‌ها ارزشی قائل نیستند (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۸۴/۱؛ ۲۳۳/۲ و ۲۳۰ و ۱۳۴ و مسکویه، ۱۹۱۵: ۳۲۲/۱). وی به اقدامات منفی حسن بن علی بن خلف، معروف به بربهاری، شیخ حنابله بغداد اشاره کرده است و می‌نویسد: «در آن روزگار، حنابله در بغداد نفوذ فراوانی داشتند و از ترس آنها کسی جرأت نوحه‌گری و روضه‌خوانی بر حسین (ع) را نداشت مگر این که در نهان به این کار پردازد یا در پناه قدرت سلطان باشد. نوحه هم جز مرثیه‌های حسین (ع) و اهل بیت نبود و هیچ تعرضی به سلف نمی‌شد. با وجود این، بربهاری از این امر آگاه شد و دستور داد نوحه‌گر را پیدا کنند و به قتل رسانند. در آن زمان، حنابله در بغداد مکرراً به فتنه انگیزی و اذیت و آزار مردم می‌پرداختند. آنان در بغداد مسجدی بنا کردند که مرکز فساد و فتنه بود و به همین جهت مردم، آن را مسجد ضرار نامیدند و به علی بن عیسی وزیر شکایت کردند و او دستور ویران کردن آن را داد» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۳۴/۲). به نظر می‌رسد تنوخی

منابع کتاب

تنوخی تأکید می‌کند که محتوای کتاب نشوار از نظر منابع آن، هیچ تناقضی با نام و عنوان آن ندارد چرا که منابع گزارش‌های آن، غالباً شفاهی است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۲/۱) و این موضوع، با عنوان کلی کتاب که شامل کلماتی چون سخن نیکو و مذاکره و گفتگوست، همخوانی دارد. از طرفی دیگر، چنان که اشاره شد، وی مدعی است که اشعار ثبت شده در لابه‌لای سطور نشوار، در چهارچوب روش نگارش وی در این کتاب قرار ندارد اما شاید در برخی موارد، اشعاری را در نشوار آورده که می‌دانسته در یکی از دیوان‌های شعر موجود است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۳/۱) و به علت توضیح بیشتر گزارش‌های خبری کتاب و جذب مخاطب بیشتر، از آنها بهره جسته است بدون آنکه مرجع دقیقی برای آنها ذکر کند.

منابع کتاب نشوارالمحاضره را می‌توان به شرح زیر تعیین کرد:

الف) مذاکرات و گفتگوهای مستقیم:

مذاکرات و گفتگوهای مستقیم تنوخی با شخصیت‌های مذکور در این کتاب، منبعی زنده و پویا برای آن محسوب می‌شود زیرا اساس آن، مشاهدات عینی تنوخی بوده که به وی فرصتی مناسب برای ارزیابی شخصیت‌ها و ارائه گزارش و نظر مستقیم درباره آنها داده است. البته این گفتگوها و مذاکرات، بعضاً به صورت منقولات محض ثبت نشده و به مرحله تأکید خبر از طریق تحقیق میدانی رسیده است؛ چنانچه وی در فرازی می‌نویسد: «و من در سال سیصد و پنجاه و اندی در بغداد، با ابی‌علی بن ابی‌عبدالله بن جصاص ملاقات کردم و او را شیخی نیکدل و خوش محضر یافتم و از او درباره آنچه که پیرامون پدرش می‌گویند پرسیدم» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۹/۱). غرض تنوخی از این

درباره شیعیان دید مثبتی داشته و در برخی گزارش‌های خود، از احوال و مراسم نوحه‌سرایی آنان برای امام حسین (ع) نام برده و حتی از اعتقاد تنی چند از شیوخ معتزله به افضل بودن امام علی (ع) پس از حضرت رسول (ص) سخن گفته است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۴۴/۲ و ۶۰/۴).

تنوخی در لابه‌لای گزارش حکایت‌های تاریخی کتاب، اشعار تعداد فراوانی از شاعران را گنجانده است اما در عین حال، مقوله شعر و شاعری را از چهارچوب روش تاریخ‌نگاری خود خارج می‌داند و از شعر شاعران تنها برای ارائه دورنمای شخصیت‌های مورد نظر خود در گزارش‌های تاریخی بهره می‌برد (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۳/۱)؛ در این میان، از گزارش دادن اشعار غیر فاخری که در ستایش پدرش سروده شده است نیز چشم‌پوشیده و آنها را ثبت کرده است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۳۰۲/۲ و ۱۷/۳).

وی در باب استفاده صوفیان روزگار خویش از شعر عاشقانه غیرعرفانی برای بیان معانی عرفانی نیز داستانی دارد (تنوخی، ۱۹۷۲: ۳۵۷/۲) و می‌نویسد صوفیه اشعار عبد الصمد بن المعذل (شاعر هجوگوی متوفی ۲۴۰ هـ - ۸۵۴ م) را سماع می‌کردند.

بدیهی است که از بررسی انگیزه‌های شخصی مؤلف و رویکردهای گوناگون شخصیت‌های حکایت‌های تاریخی کتاب وی که بیشترین تعامل را با آن اوضاع و احوال داشته‌اند، می‌توان به صورت نسبی به اوضاع اجتماعی اقشار مختلف آن دوران پی برد. زمانه‌ای که بنا به قول تنوخی «مردم در همه چیز پست شده‌اند حتی در حسادت. پیشترها وقتی فضیلتی را در کسی می‌دیدند، می‌کوشیدند که همانند او صاحب فضیلت شوند و اینک، فقط از او بدگویی می‌کنند که فلانی ریا کرده که آن کار خوب را انجام داده است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۱/۱).

مطلب، اثبات گزارش‌هایی است که در خصوص ابن‌جصاص بازرگان، در آن روزگاران بر سر زبان‌ها بوده است. وی داستان‌های جالبی از کار ابوعبدالله جصاص روایت می‌کند که در آنها وی به سبب پشتیبانی درباریان، به مال و مکتب فراوان رسیده و با کارگزاران عباسی ارتباط و پیوستگی داشته و بعضاً برای حفظ موقعیت، خود را به ابله‌ی زده است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۳۱۷/۲-۳۱۲ و ۳۰، ۲۸-۳۶).

تنوخی در فرازی دیگر، درباره مسأله‌ای که جواب مناسبی برای آن نداشته است، با ابوالطیب احمد بن حسین متنبی، شاعر معروف، دیدار کرده است و می‌نویسد: «از متنبی درباره حسب و نسبش پرسیدم اما او چیز خاصی نگفت» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۴۵/۴)؛ این سؤال تنوخی را باید تلاشی برشمرد که مؤلف برای تبیین هویت کامل شخصیت‌های هم عصر خود داشته است.

ب) منقولات شفاهی

منقولات شفاهی تنوخی در نشوارالمحاضره، یکی از منابع گزارش‌های مستند اوست که از طریق پرسش‌گری جمع‌آوری کرده است. تنوخی در این باره و در گزارش اخبار، دقیق عمل می‌کرد. از جمله می‌نویسد: «شنیدم که امیر ابامحمد، جعفر بن ورقاء بن محمد بن ورقاء شیبانی می‌گوید که...» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۶/۱)؛ این امر نشان می‌دهد که سماع مستقیم و بدون واسطه او، در واقع موجب تأکید و مستندسازی ابعاد فرهنگی و تاریخی شخصیت‌های مورد اشاره در برخی گزارش‌های او شده است؛ بدیهی است که سابقه تلمذ وی در محضر شیوخ خبر، در تثبیت این روش اخباری در نوشته‌هایش مؤثر بوده است.

البته تنوخی در برخی گزارش‌ها، تنها به ذکر سماع خبر از طرف خود بدون ثبت سلسله روایان بسنده کرده است و گوید: «این خبر را از جماعتی شنیدم» (تنوخی،

۱۹۷۲: ۱۵۹/۲ و ۹۹، ۷۰، ۸۷، ۲۲ و ۳۱۱/۱ و ۱۴۳ و ۱۷۰، ۱۷۸) بدون آنکه سلسله روایان خبر و میزان صدق گفتار آنان را مورد ارزیابی قرار دهد. این مسأله، خود شاید از اشکالات قابل تأمل در این بخش از روایات وی به شمار آید. البته این احتمال نیز هست که این روایان برای او موثق بوده‌اند.

وی در زمینه گزارش‌های مربوط به روایت‌های تاریخی، از منابع خبری متعدد برای تأکید و مستندسازی بهره برده است چنانچه می‌نویسد: «ابو احمد بن ابی‌ورد آورده است که گفت: پدرم گفته است...» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۸۰/۸ و ۱۷۰، ۱۰۴، ۶۸ و ۲۰۶/۴؛ ۹۷/۳؛ ۶۰/۱) و با توجه به اینکه کتاب نشوار به طور عموم بر پایه روایت‌های شفاهی استوار است، تنوخی از الفاظی مانند «حدّثنی» که بر همین امر دلالت می‌کند، فراوان استفاده کرده است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۵۹/۴ و ۱۰۴/۳، ۱۱۸، ۲۶، ۱۸؛ ۱۳۷-۱۳۸/۲؛ ۲۷۷/۱).

گاهی نیز به طور کلی و بدون توضیح اضافی، اعتماد و اطمینان خود را به مفاد گزارش‌های منقول از روایت‌های مستقیم شفاهی و مصاحبه شونده خود عنوان کرده است و می‌نویسد: «بَلَّغْنِي مِنْ وَجْهِهِ وَتَقْتُّ بِهَا» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۵۶/۳).

گاه نیز بنا به درخواست روایت‌کننده، از ذکر مشخصات او خودداری کرده است چنانچه در فرازی می‌گوید: «یکی از شاهدان مورد اطمینان در بغداد که از من درخواست کرد نام و نشان او را ذکر نمایم، به من گفت:...» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۰۶/۳).

آنچه ذکر شد، تلاش تنوخی را برای جمع‌آوری حداکثر اخبار و روایات مورد نظر از منابع شفاهی و افواه مردم و مقامات و مستندسازی روایی آن نشان می‌دهد.

ج) کتب تاریخی

تنوخی هر گونه نقل قول از کتب را با ذکر آنکه خود به آن کتاب مراجعه و از محتوای آن آگاهی یافته ثبت

به این قشر در گزینش نهایی این شخصیت ها در نشوار المحاضره از نظر دور داشت چرا که قاضیان به عنوان ضابطان اجتماعی، برای تحقق عدالت در سطح جامعه با همه اقشار آن تماس و تعامل خاصی دارند.

بر همین اساس مشاهده می شود که روایت های کتاب درباره قشر قضات، در واقع منعکس کننده واقعیت موجود در میان افراد این قشر است چنانچه تنوخی اشاره دارد که «در صورت بروز هرگونه خلل در نهاد دادرسی و قضاوت در هر دولتی، احوال آن دولت دچار اختلال خواهد شد» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۳۱/۱).

آمار قشر معارض دولت با گرایش ها و اهداف مختلفشان نیز، به تعداد ۱۱ مورد و نسبت ۲/۲۴ درصد کل شخصیت ها می رسد. تنوخی در برخی از روایت ها، اهداف این قشر را در مقابله با دولت بیان کرده است چنان که مناظره مهلبی وزیر را با برخی فتنه گران بغداد (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۴۴/۳) و نحوه برخورد قضات را با مدعیان تصوف و اهل طامات به تصویر کشیده است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۴۵/۴-۱۴۴).

از دیدگاه تنوخی، فرقی که با دیدگاه مذهبی وی هماهنگ نبوده اند مثل خوارج، غلات و قرامطه و امثال آنان، در طبقه شخصیت های منفی و مطرود قرار گرفته اند (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۷۱/۴-۱۶۸ و ۸۸/۲).

۲- اهمیت اقتصادی

تعداد شخصیت های صنوف و حرف و مشاغل از قبیل جواهر فروشان، زرگران، صیرفیان و طبیبان و امثال آنان (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۷۳/۷ و ۸۳/۳ و ۸۰،۷۰؛ ۳۶۰/۲ و ۱۹۴، ۱۰۱) قریب ۸۰ نفر است که ۶/۱۶ درصد کل آمار شخصیت های ثبت شده را به خود اختصاص می دهد. بازرگانان با تعداد ۳۶ نفر در صدر قرار دارند و ۴۵ درصد مجموع شخصیت های صنوف و حرف و سایر مشاغل را به خود اختصاص داده اند. ناگفته پیداست که این اعداد و نسبت ها، خود شاخص مهمی در

کرده است؛ چنانچه می نویسد: «در کتاب الوزراء هلال بن محسن خوانده ام که...» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۷۹/۴). وی در تألیف کتاب نشوار، روایات شفاهی خود را از شخصیت های خاصی گرفته است که مورد وثوق او بوده اند و معمولاً برای تأیید مفاد چنین روایت هایی، به منابع تاریخی قبل از زمان خود نیز مراجعه کرده است چنانچه در فرازی می گوید: «و از وهب بن منبه روایت شده که...» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۰۱/۱).

این امر، نشانگر اطلاع تنوخی از تألیفات و کتب تاریخی در این زمینه است. وی گاهی جزئیات آگاهی خود از این منابع و استفاده از آنها در کتاب نشوار المحاضره را نیز ذکر کرده است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۸۷ و ۲۱۱/۳).

اهمیت علمی و تاریخی کتاب نشوار المحاضره

بر اساس مفاد جدول آماری پایان مقاله، اهمیت علمی و تاریخی کتاب نشوار المحاضره، در موارد ذیل قابل طرح و بررسی است:

۱- اهمیت سیاسی و اداری

بررسی نتایج آماری حاصل از توزیع شخصیت های مندرج در کتاب نشوار المحاضره، نشان می دهد که مناصب اداری و سیاسی از نظر تعداد در صدر جدول قرار دارند و با ۴۹۱ مورد، ۳۷/۸۵٪ کل مناصب را به خود اختصاص داده اند. باید گفت که مبحث دیوان سالاری از مباحث مورد توجه تنوخی بوده است.

در این میان، قاضیان با تعداد ۱۷۴ نفر و با درصد ۳۵/۴۳، در صدر جدول شرح حال شخصیت های سیاسی و اداری قرار گرفته اند (نک: جدول و نمودارهای آماری در پایان مقاله)؛ هر چند انگیزه شخصی تنوخی به عنوان یک قاضی در گزینش این تعداد از قاضیان مهم بوده است اما نباید نیاز جامعه را

۳- اهمیت فرهنگی

تعداد شخصیت‌های فرهنگی و ادبی مطرح شده در نشوارالمحاضر، قریب ۳۵۶ نفر است که ۲۸/۱۴ درصد مجموع کل آمار شخصیت‌ها را در بر می‌گیرد. در این آمار، شاعران با تعداد ۲۰۶ نفر و با درصد ۵۷/۸۶، در صدر جدول آماری قرار گرفته‌اند.

شعر و شاعری در زبان عرب، شاخص مهمی در تبیین سطح فرهنگ جامعه به شمار می‌آید. رویکرد تنوخی نیز به شعر در کتاب نشوارالمحاضر، شاخص فرهنگی مهمی است و بسیاری از روایات کتاب شامل نمونه‌هایی از اشعار شعرای برجسته است. تنوخی به توجه مردم به حفظ اشعار در آن دوران اشاره می‌کند چنان که می‌نویسد پدرش قصیده‌ای ششصد بیتی را در یک شبانه روز حفظ کرد (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۴۰/۲).

وی در چهارچوب برخی روایات کتاب، دورنمای برخی از امور فرهنگی جامعه را در آن روزگاران ترسیم می‌کند. از جمله ذکری از تواضع لغت‌شناس معروف، ابوالعباس ثعلب می‌آورد و می‌گوید وی ابایی نداشت که به عدم فهم برخی مسائل لغوی اعتراف کند (تنوخی، ۱۹۷۲: ۷/۴).

تنوخی همچنین شرحی بر مجالس جدل و مناظره فکری و فرهنگی معتزلیان و اشاعره دارد (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۰۷/۲) و از روش‌های آموزش مؤدبان و معلمان مکاتب سخن به میان آورده است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۲۹/۴ و ۱۴۷/۳).

تنوخی به زمینه‌های فرهنگی گوناگون دیگری نیز در کتاب نشوارالمحاضر اشاره کرده است که در مجموع دورنمای فرهنگی و تمدنی بغداد را در آن روزگاران به دست می‌دهد. وی معتقد است: «اگر از بغداد خارج شوی، تمام دنیا در نظر تو روستایی بیش نمی‌نماید» (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۷۴-۱۷۳). این سخن، اوضاع فرهنگی و ادبی و تمدنی بغداد را در آن دوره نشان

ارزیابی موضوع به شمار می‌آید به ویژه آنکه فعالیت‌های اقتصادی دولت‌های اسلامی، در آن دوران بر پایه تجارت و بازرگانی استوار شده بود. تنوخی در کتاب خود به برخی از اقدامات اجرایی مرتبط با فعالیت‌های تجاری مانند مصادره اموال برخی بازرگانان از طرف نهاد خلافت و وزارت اشاره می‌کند. چنان که مقدار اموال مصادره شده از ابن‌جصاص تاجر را شش میلیون دینار گزارش داده است و این مبلغ، افزون بر اموالی است که از خانه وی مصادره شده بود (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۳۳/۷، ۲۳۱، ۱۶۳ و ۲۵/۱). این ارقام، خود گویای میزان تأثیر فعالیت‌های اقتصادی صنف بازرگانان در آن دوره است.

البته باید اشاره کرد که در آن دوره، اموال بسیاری از کارگزاران اقلیم و نهادهای اداری به بهانه‌های گوناگون مصادره می‌شد (یعقوبی، ۱۹۶۰: ۴۸۵/۲ و مسعودی، ۱۹۵۸: ۹/۴) و ظاهراً هنگام خالی بودن خزانة دولت، یکی از راه‌های پر کردن آن، مصادره اموال صنوف و کارگزاران دولتی بوده است.

در کتاب نشوار، به نشانه‌هایی از ویژگی‌های بازرگانی و تاجران قرون اولیه هجری بر می‌خوریم که اطلاعاتی پرارزشی را از آن دوران، به دست داده است. از جمله محاسبات دقیق در تجارت (تنوخی، ۱۹۷۲: ۵۰/۳)، نرخ برخی کالاهای پر مصرف مانند نان، گوشت، مرغ، جوجه و بز (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۰/۲)، احتکار و گرانفروشی (تنوخی، ۱۹۷۲: ۷۹-۸۱/۳)، طلاق دزدی زرگرها از دولت (تنوخی، ۱۹۷۲: ۸۴/۳)، سوء استفاده جواهرفروشان از دستگاه خلافت (تنوخی، ۱۹۷۲: ۳۱۴/۲) و فساد اداری دولتیان (تنوخی، ۱۹۷۲: ۸۱/۱-۸۰). تنوخی در روایتی به حیل‌های خلیفه مامون برای پایین آوردن نرخ جواهرات در بازار و سوء استفاده از موقعیت خلافت در خرید ارزان طلا اشاره کرده است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۴۰/۲).

در اختیار آنان قرار می‌داد، از این جمله اند (تنوخی، ۱۹۷۲: ۱۹۱/۸، ۱۴۷، ۶۷ و ۶۷/۳؛ ۱۱۱/۲).

در مقابل، شخصیت‌های منفی با ارزش‌های اجتماعی در تضاد بوده اند و از طرف جامعه طرد می‌شدند. تنوخی وجود گرایش‌های مثبت و منفی در این شخصیت‌ها را مایه عبرت جامعه در کوران حوادث گوناگون می‌داند (تنوخی، ۱۹۷۲: ۹۷/۷-۹۶ و ۴۱/۶، ۳۷: ۶۸/۵؛ ۴۱/۳؛ ۱۸۶/۲، ۱۲۶، ۱۵۷/۱-۱۵۶، ۹۹، ۶۳).

آمار به دست آمده، تفاوت معناداری را درباره حجم شرح حال‌های شخصیت‌های گوناگون کتاب نشان می‌دهد. نمی‌توان دانست که تنوخی از همان ابتدا قصد داشته است حجم نوشتاری شرح حال‌ها را در قالب منظمی بگنجانند یا اینکه پیشاپیش تصور دقیقی از حجم نوشتاری آنها داشته است اما به هر روی، وی تلاش کرده است حکایت‌های تاریخی را با گزارش‌های کامل همراه سازد به گونه‌ای که از نظر شکل و محتوا، شرایط لازم را برای بیان گزارش داشته باشد.

آمار نشان می‌دهد که میانگین حجم نوشتاری شرح حال شخصیت‌های سیاسی و اداری نشوار، در حدود ۳۵/۵۳ سطر است و در صدر قرار دارد. برای نمونه می‌توان به گزارش برخی احوال معزالدوله و ناصرالدوله حمدانی و نیز کرم سیف‌الدوله حمدانی اشاره کرد (تنوخی، ۱۹۷۲: ۹۱/۳ و ۳۱۰/۲ و ۱۴۵).

شاید بتوان گفت منصب قضاوت تنوخی و جمع‌آوری حداکثر گزارش‌ها درباره قضات، باعث طولانی شدن شرح حال این شخصیت‌ها نسبت به دیگران شده است. از طرف دیگر، اکثر محتوای شرح حال این شخصیت‌ها به گونه‌ای به دارالخلافه و ادارات گوناگون ارتباط دارد که این خود، موجب جمع‌آوری معلومات و گزارش‌های بیشتر و در نتیجه، افزایش حجم نوشته‌ها در این باره شده است. گزارش ماجرای پدر تنوخی با دزد راهزن و محاسن احمد بن ابی داود قاضی، در این

می‌دهد به ویژه مناظره‌ها و گفت‌وگوهای فرهنگی و ادبی در همه زمینه‌های علمی، سرآمد بوده است (ابن‌عبدربه، ۱۹۶۵: ۱۰۲-۹۲ و بارتولد، ۱۹۶۶: ۱۰۶).

در زمینه حجم نوشتاری شرح حال شخصیت‌های فرهنگی و ادبی، میانگین ۳۳/۴۱ سطر برای یک شرح حال به دست آمده است که پس از میانگین شخصیت‌های اداری و سیاسی، در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. سبب این گستردگی در حجم نوشتاری را نیز باید به اوضاع فرهنگی بغداد در قرن ۴ هـ/۱۰م مربوط دانست که گزارش‌های مفید و گسترده‌ای را در اختیار تنوخی قرار می‌داد. البته از طرفی دیگر، قطعاً شخصیت فرهنگی و تربیت خاص وی نیز در جمع‌آوری و ارائه گزارش‌ها و روایات به صورت مناسب، دخیل بوده است.

۴- اهمیت اجتماعی

تعداد نخبگان اجتماعی در نقش‌های مثبت و منفی، ۲۶۹ نفر است که ۲۰/۷۴ درصد شخصیت‌ها را در بر گرفته است. از این میان، ۱۵۱ شخصیت با نقش مثبت مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و ۵۶/۱۳ درصد آمار را تشکیل می‌دهند. ۱۱۸ شخصیت نیز با نقش منفی ثبت شده‌اند که در مجموع ۴۳/۸۶ درصد آمار را به خود اختصاص می‌دهند.

شخصیت‌های اجتماعی مثبت کتاب نشوارالمحاضره در هر طبقه، در واقع عناصری هستند که وظیفه پاسداری از ارزش‌های اجتماعی جامعه را که بر اساس موازین شرعی استوار بوده است، بر عهده داشته‌اند و به همین دلیل، پذیرش اجتماعی خاصی داشته‌اند که تأثیر مثبت آنان را در سطح جامعه نشان می‌دهد. افرادی چون ابو عبدالله بن ابی عوف که پاکدامن بود و حوائج مردمان را بر می‌آورد و نیز ابو عبدالله احمد بن ابی داود قاضی که به هنگام وقوع حوادث، اموالی را از خلفا برای تأمین نیازهای خسارت دیگران می‌گرفت و

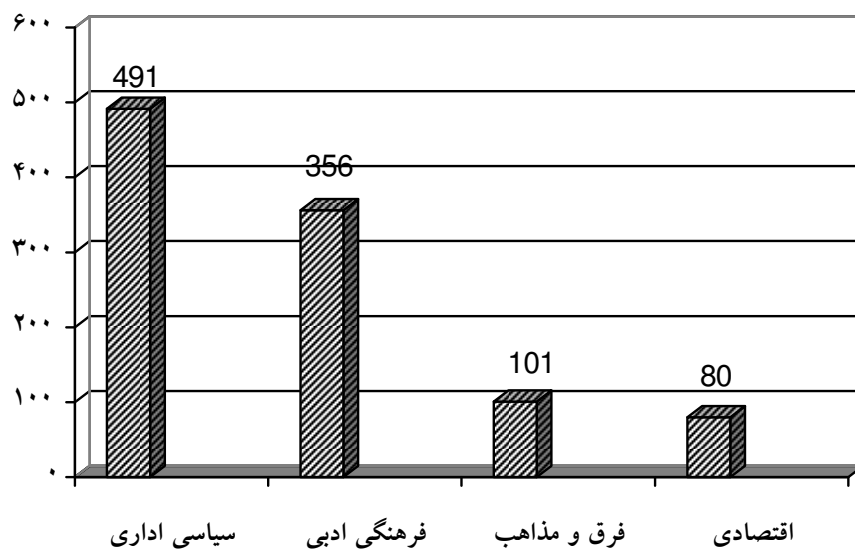
- باره قابل ذکر است (تنوخی، ۱۹۷۲: ۲۴۶/۷ و ۲۴۳ و ۷۵/۴).
- شرح حال شخصیت‌های مثبت اجتماعی نیز با میانگین ۳۲/۶۶ سطر و شرح حال شخصیت‌های منفی با ۳۴/۲۳ سطر در رتبه‌های بعد قرار می‌گیرند. در این مورد، ظاهراً رویکرد تنوخی برای پندپذیری جامعه، در میانگین حجم نوشتاری شرح حال‌ها دخالت داشته است.
- نتیجه
- تنوخی از طریق شیوه «روایت‌گری تاریخ در قالب حکایت»، گزارش‌های شفاهی متنوع تاریخی دوره خود را همزمان با تاریخ وقوع ارائه کرده است که این خود، بر ارزش تاریخی کتاب وی افزوده است. ارزیابی برخی صنوف و حرف و مناصب سیاسی و اداری در کتاب نشوار المحاضره، مشتمل بر اطلاعاتی است که پژوهشگران را در شناخت هرچه بهتر دوره تاریخی نگارش این کتاب یاری می‌رساند.
- تنوخی با برقراری ارتباط نزدیک با اقشار مختلف اجتماع خود، توانسته است حجم قابل توجهی از اخبار و محاوره‌های آنان را گرد آورد و هدف از تالیف کتاب نشوار را که به قول خود او حفظ اخبار دول و ملل و بیان فنون و به تمثیل درآوردن آنها برای شناخت احوال معاش و معاد و عواقب صلاح و فساد بوده است، تا حد زیادی برآورد؛ به گونه‌ای که نشوار المحاضره در سال‌های بعد، مورد استناد مورخان بزرگی چون ابن جوزی در نگارش کتاب «المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم» قرار گرفته است.
- منابع**
- ابن خلکان، شمس‌الدین احمد (۱۹۶۸ م) **وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان**، تحقیق احسان عباس، بیروت.
- ابن عبد ربه، شهاب‌الدین احمد (۱۹۶۵ م) **العقد الفرید، شرح و تصحیح احمد امین و آخرون**، القا ره.
- انیس، ابراهیم و آخرون (بی‌تا) **المعجم الوسیط**، تهران: ناصر خسرو.
- بارتولد، اشپولر (۱۹۶۶ م) **تاریخ الحضاره الاسلامیه**، ترجمه حمزه طاهر، قاهره.
- بغدادی، ابوبکر احمد بن علی الخطیب (بی‌تا) **تاریخ بغداد**، قاهره.
- تنوخی، محسن بن علی (۱۹۷۲ م) **نشوار المحاضره و اخبار المذاکره**، تحقیق عبود الشالجبی، بیروت.
- ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد (۱۹۵۶ م) **یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر**، القا ره.
- حموی، ابو عبدالله یاقوت (۱۹۷۰ م) **معجم الادباء**، بیروت: دارالمشرق.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد (بی‌تا) **العبر فی خبر من غبر**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شتتاوی، احمد و دیگران (بی‌تا) **دائره‌المعارف الاسلامیه**، قاهره.

پیوست

جدول آماری شخصیت های مندرج در کتاب نشوار المُحاضرَه (بر اساس حجم شرح حال)

شرح حال شخصیت ها بر اساس طبقه	تعداد کل	حجم شرح حال بر اساس سطر (به صورت تقریبی)
سیاسی - اداری (دیوانسالاران)	۴۹۱	۳۵/۵۳
فرهنگی - ادبی	۳۵۶	۳۳/۴۱
دینی - مذهبی (فرق و مذاهب)	۱۰۱	۲۹/۰۵
صنوف و حرفه ها (اقتصادی)	۸۰	۲۶/۵۵
شخصیت های اجتماعی	۲۶۹	۳۳/۳۵
۱- شخصیت های مثبت اجتماعی	۱۵۱	۳۲/۶۶
۲- شخصیت های منفی اجتماعی	۱۱۸	۳۴/۲۳
جمع کل شخصیت ها	۱۵۶۶	-----

نمودار شماره ۱ - شخصیت‌ها بر اساس طبقه



نمودار ۲ - شخصیت‌ها بر اساس تعداد

